

سلامت و رفاهیت



دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی مصارف خمس در فقه فریقین با رویکردی به فقه حکومتی

استاد راهنما:

دکتر حمید مسجد سرایی

دانشجو:

حسین سهرابی

بهمن ماه ۱۳۹۷

صور تجلسه ارزیابی پایان نامه کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم / آقای :

آقای حسین سهرابی - ۹۵۱۱۲۳۷۰۰۲ - فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان پایان نامه :

بررسی تطبیقی مصارف خمس در فقه فریقین با رویکردی به فقه حکومتی

در ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ - در محل سمعی و بصری دانشکده برگزار گردید.

تاریخ تصویب موضوع پایان نامه : ۹۶/۱۰/۲۶ تعداد واحد : ۴

نامبرده نمره (به عدد / حروف) **۱۹/۲۵ نوزده و بیست و پنج** با درجه **عالی** دریافت نمود.

درجه پایان نامه : عالی خیلی خوب خوب متوسط مردود

(عالی : ۱۹-۲۰ ، خیلی خوب : ۱۸-۱۸/۹۹ ، خوب : ۱۶-۱۷/۹۹ ، متوسط : ۱۴-۱۵/۹۹ ، مردود : کمتر از ۱۴)

استاد راهنما :	دکتر حمید مسجد سزایی	دانشیار سمنان	امضاء:
استاد مشاور :	ندارد		امضاء :
داور داخلی / خارجی :	دکتر مهدی موحدی محب	دانشیار سمنان	امضاء:
داور داخلی / خارجی :	دکتر علی اسماعیلی ایوبی	استادیار سمنان	امضاء:

دکتر قدرت اید خیاطیان
رئیس دانشکده علوم انسانی
دانشگاه سمنان
دانشکده علوم انسانی

دانشگاه سمنان
دکتر سید محسن اونوری
عنوان اطلاعیه و تصمیمات تکلیفی دانشکده
امضاء
اونوری

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری
های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه
سمنان است.

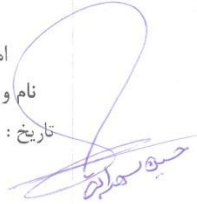
*** تعهدنامه ***

اینجانب حسین سهرابی دانشجوی کارشناسی ارشد/ دکتری رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی گروه حقوق اسلامی فقه و مبانی تعهد می‌نمایم که محتوای این پایان‌نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از هیچ منبعی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید محترم بوده است. در صورت اثبات خلاف مندرجات فوق، به تشخیص دانشگاه مطابق با ضوابط و مقررات حاکم (قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ضوابط و مقررات آموزشی، پژوهشی و انضباطی ...) با اینجانب رفتار خواهد شد و حق هرگونه اعتراض در خصوص احقاق حقوق مکتسب و تشخیص و تعیین تخلف و مجازات را از خویش سلب می‌نمایم. در ضمن، مسؤلیت هرگونه پاسخگویی به اشخاص، اعم از حقیقی، حقوقی و مراجع ذیصلاح (اعم از اداری و قضایی) به عهده اینجانب خواهد بود و دانشگاه هیچ‌گونه مسؤلیتی در این خصوص نخواهد داشت.

امضاء

نام و نام خانوادگی

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸



تقدیم به :

آنان که در کسب علم و دانش، راهنمایم بودند.
همسر مهربانم که صبورانه در تمامی لحظات، رفیق راه بود
و دو گل باغ زندگی ام، فاطمه و محمد.

تشکر و قدردانی

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (۱۱ مجادله).

که ایزد مقامی ببخشد بلند
براعمال روشن به سر ضمیر
بر آنان که در بحر دانش درند
همه هست آگه خدای خبیر

دانشمند اندیشمند استاد برجسته جناب آقای **دکتر حمید مسجد سرایی**

به استناد آیه شریفه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» سخنان و کلام ارزشمند به سوی خدا صعود می کند و با ابدیت سنخیت پیدا کرده و همواره آثار خود را ظاهر می سازند؛ بسی شایسته است از تلاش های مداوم و کوشش های مستمر حضرت عالی در اشاعه تعلیم و تربیت و بسط و توسعه علم و دانش و نیز از روشنی رأی و کارگشایی ثمربخش شما به عنوان استاد راهنما در کمال امتنان تشکر نمایم.

چکیده

پرداخت خمس فریضه ای الهی است که خداوند در آیه ۴۱ سوره انفال به صراحت از آن یاد کرده و جمیع علمای فریقین بر وجوب آن متفق القول هستند. غالباً بحث پیرامون خمس، حول دو محور مصادیق و مصارف آن می باشد. نظر به اختلافاتی که در فقه فریقین پیرامون این دو محور وجود دارد، این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به بررسی تطبیقی مصارف خمس در فقه فریقین با رویکردی به فقه حکومتی پرداخته و مهمترین خاستگاه های اختلاف نظر میان امامیه و اهل سنت را مورد بررسی قرار داده است. در فقه امامیه پیرامون مصارف خمس دو رویکرد وجود دارد: اول رویکرد غیر حکومتی که بر اساس آن خمس به دو قسمت تقسیم می شود؛ یکی سهم امام و دیگری سهم سادات. سهم امام شامل سهم الله و سهم الرسول و سهم ذی القربی بوده که امام در هر راهی که مصلحت ببیند آن را مصرف می نماید و سهم سادات شامل سهم یتامی و مساکین و ابناء السبیل است که از طرف پدر به هاشم منسوب باشند. دوم رویکرد حکومتی که بر اساس آن خمس حقی وحدانی برای منصب امامت بوده و در اختیار حاکم اسلامی برای اداره حکومت می باشد.

در بین فقهای عامه این اختلاف، نمود بیشتری پیدا کرده است. به طوری که در نظر حنفیه خمس به سه سهم تقسیم شده و به مصرف عموم یتامی و مساکین و ابناء سبیل می رسد و ذوی القربی [خویشاوندان پیامبر(ص)] مُتَّصِف به این صفات بر اصناف ثلاثه مقدم می شوند. در نظر شافعیه و حنبلیه خمس به پنج سهم تقسیم شده، سهم الرسول به مصارف عموم مسلمین می رسد و سهم ذوالقربی برای یتامی و مساکین و ابناء السبیل از بنی هاشم و بنی مطلب بوده و سه سهم دیگر برای عموم یتامی و مساکین و ابناء السبیل می باشد. اما مالکیه قائل به تقسیم نبوده و تمامی خمس را برای حاکم می دانند و حاکم به اجتهاد خویش آن را به مصارف عمومی مسلمین می رساند. می توان گفت که مالکیه به نوعی با رویکردی حکومتی به خمس می نگرد هرچند مبانی اجتهادی آنها با فقهای امامیه متفاوت است.

کلید واژه ها: خمس - مصارف خمس - فقه فریقین - فقه حکومتی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات تحقیق	۵
۱-۱. بیان مسئله.....	۶
۱-۲. سوالات تحقیق.....	۸
۱-۲-۱. پرسش اصلی پژوهش:.....	۸
۱-۲-۲. سولات فرعی پژوهش:.....	۸
۱-۳. فرضیه های تحقیق.....	۹
۱-۴. اهداف تحقیق.....	۹
۱-۴-۱. تبیین دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت پیرامون مصارف خمس.....	۹
۱-۴-۲. بررسی نقاط اشتراک و اختلاف امامیه و اهل سنت پیرامون مصارف خمس.....	۹
۱-۵. پیشینه پژوهش.....	۹
۱-۶. روش تحقیق.....	۱۰
فصل دوم: مفهوم شناسی واژگان و مبانی نظری بحث	۱۱
۲-۱. مفهوم شناسی اصطلاحات.....	۱۲
۲-۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی خمس.....	۱۲
۲-۱-۲. معنای لغوی ذوی القربی.....	۱۳
۲-۱-۳. معنای اصطلاحی ذی القربی در فقه امامیه وادله آن.....	۱۳
۲-۱-۳-۱. روایات دال بر معنای امام معصوم از «ذی القربی».....	۱۴
۲-۱-۳-۲. روایات دال بر معنای عموم اقربای پیامبر از «ذی القربی».....	۱۶
۲-۱-۴. معنای اصطلاحی ذی القربی در فقه اهل سنت.....	۱۸
۲-۱-۵. معنای لغوی و اصطلاحی یتیم.....	۱۹

- ۶-۱-۲. معنی لغوی و اصطلاحی مسکین ۱۹
- ۷-۱-۲. معنای لغوی ابن سبیل ۲۱
- ۱-۷-۱-۲. معنای اصطلاحی ابن سبیل در فقه امامیه ۲۱
- ۲-۷-۱-۲. معنای اصطلاحی ابن سبیل در فقه اهل سنت ۲۲
- ۸-۱-۲. معنای اصطلاحی فقه ۲۲
- ۹-۱-۲. معنای لغوی و اصطلاحی حکومت ۲۳
- ۱۰-۱-۲. فقه حکومتی ۲۳
- ۱۱-۱-۲. حکم حکومتی ۲۳
- ۲-۲. مبانی نظری بحث ۲۳
- ۱-۲-۲. تاریخچه خمس ۲۴
- ۲-۲-۲. فلسفه تشریح خمس ۲۵
- ۳-۲-۲. آثار مادی و معنوی خمس ۲۷
- ۴-۲-۲. موارد وجوب خمس از منظر فریقین ۲۹
- ۱-۴-۲-۲. موارد وجوب خمس از دیدگاه امامیه ۲۹
- ۲-۴-۲-۲. موارد وجوب خمس از دیدگاه اهل سنت ۳۱
- ۵-۲-۲. مصارف خمس از منظر امامیه ۳۳
- ۱-۵-۲-۲. رویکرد غیر حکومتی ۳۴
- ۲-۵-۲-۲. رویکرد فقه حکومتی ۳۴
- ۶-۲-۲. مصارف خمس از منظر اهل سنت ۳۵
- ۱-۶-۲-۲. دیدگاه حنفیه ۳۵
- ۲-۶-۲-۲. دیدگاه شافعیه و حنبلیه ۳۵
- ۳-۶-۲-۲. دیدگاه مالکیه ۳۶
- ۷-۲-۲. اهمیت رویکرد حکومتی به فقه ۳۶
- ۸-۲-۲. کارکردهای رویکرد حکومتی به فقه ۳۶
- ۱-۸-۲-۲. تفاوت در نحوه استنباط احکام ۳۷
- ۲-۸-۲-۲. گسترش حوزه قواعد فقهی ۳۷
- ۳-۸-۲-۲. اهمیت اثربخشی احکام مستنبطه ۳۸
- ۹-۲-۲. مبانی فقه حکومتی ۳۸
- ۱-۹-۲-۲. ضرورت حکومت از منظر امامیه ۳۸

- ۲-۲-۹-۲. ضرورت حکومت از منظر اهل سنت ۳۹
- ۲-۲-۹-۳. ضرورت امامت از منظر امامیه ۳۹
- ۲-۲-۹-۴. ضرورت خلافت از منظر اهل سنت ۴۱
- ۲-۲-۱۰. حدود و اختیارات ولی فقیه از نظر امامیه ۴۱
- ۲-۲-۱۰-۱. ولایت در امور حسبیه ۴۱
- ۲-۲-۱۰-۲. ولایت در منابع مالی حکومت ۴۲
- ۲-۲-۱۰-۳. ولایت در صدور و اجرای احکام حکومتی ۴۳
- ۲-۲-۱۱. حدود و اختیارات خلیفه از نظر اهل سنت ۴۴
- فصل سوم: مصارف خمس از دیدگاه فریقین** ۴۵
- ۳-۱. مصارف خمس از منظر فقه امامیه و ادله آن ۴۶
- ۳-۱-۱. کتاب ۴۶
- ۳-۱-۲. سنت ۴۷
- ۳-۱-۳. اجماع ۴۸
- ۳-۲. نظرات فقهای امامیه پیرامون تقسیم خمس ۵۰
- ۳-۳. بررسی سهم امام در زمان غیبت ۵۲
- ۳-۳-۱. دیدگاه اول: تحلیل و اباحه سهم امام مطلقاً در زمان غیبت برای شیعیان ۵۲
- ۳-۳-۲. دیدگاه دوم: اباحه سهم امام مشروط به تعدّر رسانیدن به امام یا عدم احتیاج اصناف
ثلاثة خمس ۵۳
- ۳-۳-۳. دیدگاه سوم: عزل سهم امام و حفظ آن به صورت امانی و وصیت به آن قبل از موت
..... ۵۳
- ۳-۳-۴. دیدگاه چهارم: وصیت تا زمان ایصال به امام ۵۴
- ۳-۳-۵. دیدگاه پنجم: وجوب دفن سهم امام تا زمان ظهور حضرت حجت عج ۵۴
- ۳-۳-۶. دیدگاه ششم: صرف در مصارف فقرای شیعه ۵۵
- ۳-۳-۷. دیدگاه هفتم: به امانت گذاشتن خمس ۵۵
- ۳-۳-۸. دیدگاه هشتم: تصدق سهم امام به مناطق مال مجهول المالک ۵۵
- ۳-۳-۹. دیدگاه نهم: صرف در مصالح عامه از راه احراز رضایت امام علیه السلام ۵۶
- ۳-۳-۱۰. دیدگاه دهم: صرف در مصالح عامه به اذن یا توسط ولی فقیه ۵۶
- ۳-۴. بررسی سهم سادات در زمان غیبت ۵۷
- ۳-۴-۱. روایات دال بر لزوم اذن امام نسبت به سهم سادات ۵۸

- ۳-۵. بررسی مسائل مربوط به سیادت ۵۸
- ۳-۵-۱. مبداء سیادت از نظر امامیه وادله آن ۵۸
- ۳-۵-۲. مبداء سیادت از نظر اهل سنت وادله آن ۶۰
- ۳-۵-۳. ادعای سیادت جهت استحقاق خمس ۶۱
- ۳-۵-۴. شرط ایمان ۶۲
- ۳-۵-۵. شرط فقر ۶۳
- ۳-۵-۶. شرط بسط ۶۴
- ۳-۵-۷. شرط استیعاب ۶۵
- ۳-۵-۸. مقدار دریافتی سادات ۶۶
- ۳-۵-۹. نقل خمس ۶۶
- ۳-۶. مصارف خمس از منظر اهل سنت ۶۷
- ۳-۶-۱. دیدگاه حنفیه وادله آن ۶۷
- ۳-۶-۱-۱. سهم الله ۶۸
- ۳-۶-۱-۲. سهم الرسول ۶۸
- ۳-۶-۱-۳. دلیل انقطاع سهم نبی(ص) ۶۸
- ۳-۶-۱-۴. سهم ذی القربی ۶۹
- ۳-۶-۱-۵. دلیل انقطاع سهم ذی القربی ۶۹
- ۳-۶-۱-۶. دلیل اعطاء به فقراء از ذوی القربی ۷۰
- ۳-۶-۱-۷. فعل خلفای راشدین ۷۰
- ۳-۶-۱-۸. اجماع بر مصارف سهمین ۷۰
- ۳-۶-۲. دیدگاه شافعیه و حنبلیه وادله آن ۷۳
- ۳-۶-۲-۱. سهم الله ۷۴
- ۳-۶-۲-۲. مصارف سهم رسول ۷۶
- ۳-۶-۲-۳. جمع بندی اقوال سهم الله و سهم الرسول ۷۶
- ۳-۶-۲-۴. سهم ذی القربی ۷۸
- ۳-۶-۲-۵. دلیل ثابت بودن سهم ذی القربی ۷۸
- ۳-۶-۲-۶. کیفیت اعطاء به ذی القربی ۷۹
- ۳-۶-۳. دیدگاه مالکیه وادله آن ۸۰
- ۳-۶-۴. دیدگاه غیر مشهور اهل سنت وادله آن ۸۲

فصل چهارم: خمس از دیدگاه فقه حکومتی	۸۳
مقدمه	۸۴
۴-۱. خمس از دیدگاه فقه حکومتی وادله آن	۸۶
۴-۱-۱. دلالت آیه خمس	۸۸
۴-۱-۱-۱. مالکیت طولی و عرضی	۹۰
۴-۱-۲. آیه فیه	۹۰
۴-۱-۳. روایات دال بر وحدانی بودن خمس	۹۲
۴-۱-۴. روایات تحلیل	۹۴
۴-۱-۵. سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع)	۹۶
۴-۲. ثمره اقوال تقسیم و عدم تقسیم خمس	۹۸
۴-۳. نظر فقهای امامیه درباره امامت و حکومت	۱۰۰
۴-۴. نظر فقهای عامه درباره خلافت و حکومت	۱۰۰
۴-۵. ضرورت تشکیل حکومت	۱۰۱
۴-۵-۱. ماهیت و کیفیت قوانین اسلام	۱۰۲
۴-۵-۲. ضرورت استمرار اجرای احکام	۱۰۲
۴-۵-۳. سنت رسول خدا (ص) و رویه امام علی (ع)	۱۰۲
۴-۶. اختیارات ولی فقیه	۱۰۲
۴-۶-۱. ولایت در امور حسبه	۱۰۳
۴-۶-۲. ولایت در منابع مالی حکومت	۱۰۳
۴-۶-۳. ولایت در صدور و اجرای احکام حکومتی	۱۰۴
۴-۷. فقه حکومتی و مبانی آن	۱۰۵
۴-۷-۱. اهمیت امامت و حکومت	۱۰۵
۴-۷-۲. اهمیت بُعد اجرایی دین	۱۰۵
۴-۷-۳. فقه حکومتی فقه اداره و سرپرستی جامعه	۱۰۶
فصل پنجم: نتیجه گیری	۱۰۷
نتیجه گیری	۱۰۸
فهرست منابع و ماخذ	۱۱۱
کتاب فارسی	۱۱۱
مقالات	۱۱۴

مقدمه

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه [از آنها] است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه؛ باایمان و بی ایمان [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیزی تواناست (انفال، ۴۱).

طبرسی در مجمع البیان و شیخ طوسی در التبیان درباره شأن نزول آیه می نویسند: عده‌ای معتقدند آیه درباره غنائم جنگ بدر نازل شده است چون بعد از جنگ بدر میان برخی از مسلمانان [مهاجر و انصار] برای گرفتن غنائم اختلاف و مشاجراتی به وجود آمد، زیرا زمانی که در جنگ بدر کفار روی به فرار نهادند مسلمین سه دسته شدند؛ عده ای از رسول خدا صلی الله علیه و آله اطراف خیمه او از وی حفاظت و حراست می نمودند، عده ای به جمع آوری غنایم و اموال پرداختند و عده ای هم در تعقیب دشمن پرداخته و اسیر می گرفتند (طبرسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۵۷-۱۵۹؛ شیخ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۷۱). بنابراین خدا با نزول آیه اول سوره انفال، اختیار تمامی آن اموال را به پیامبر (ص) سپردند و ایشان آن اموال را بطور مساوی میان آنها تقسیم نمودند سپس با نزول آیه ۴۱ سوره انفال خداوند بیان نمودند که خمس آنچه که به دست آورده اید را بپردازید همچنین مورد مصارف خمس را هم بیان می کند و در ادامه در آیه ۶۹ سوره انفال آنچه که آنها بدست آورده بودند را برایشان حلال و طیب معرفی می کند بنابراین هیچ ناسخ و منسوخی میان این آیات وجود ندارد و همه آیات مربوط به جنگ بدر می باشند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲ ش، صص ۱۴۷-۱۵۸).

صاحب جواهر در تعریف خمس می گوید: «خمس حق مالی است که خداوند مالک الملک، بالإصالة در مال مخصوصی برای خود و برای بنی هاشم، کسانی که ریاست و تدبیر امور مردم به دست آنهاست، جهت اکرام آنها، در عوض زکاتی که اوساخ دستان مردم است، بر بندگان خود واجب قرار داده است» (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶، ص ۲).

این تعریف دارای قیودی است، قید حق مالی، حق غیر مالی مانند حق ولایت را از تعریف خارج می کند، قید برای بنی هاشم یعنی غیر بنی هاشم مستحق خمس نیستند، قید بالاصاله یعنی اصالتاً و ابتدائاً از طرف شارع برای آنها تعیین شده است و نذر وعهد... را از تعریف خارج می کند [کسی نذر کند این مال رابه سید می دهم به عنوان خمس چون زکات بر آنها حرام است، اینجا بالاصاله نیست]، قید عوض زکات، زکات را از تعریف خارج می کند [یعنی چون زکات بر سادات حرام است، خمس در مقابل زکاتی تشریح شده که برای غیر سادات است] (میلانی، ۱۳۹۵، ق، ص ۷).

براین اساس خمس از واجبات مالی است که جمیع مسلمین بر وجوب آن متفق القول هستند دراهمیت این فریضه همین بس که خداوند در آیه ۴۱ سوره انفال، ادای خمس را با ایمان به خدا پیوند زده است [إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ]. شیخ مفید در المقنعه روایتی را از محمد بن زید طبری این گونه نقل می کند: مردی از تجار فارس که از دوستان امام رضا (ع) بود به آن حضرت نامه ای نوشت و درخواست کرد تا امام به او اجازه مصرف خمس را بدهد، امام در جواب نوشتند: ... همانا پرداخت خمس یاری و کمک است بر تقویت و ترویج دین ما، حفظ و کمک است بر خانواده ما و دوستان ما و آن چه که می بخشیم با خمس آبرو و حیثیت خود را در برابر دشمنان و کسانی که از تعرض او بیم داریم حفظ می کنیم پس خمس را از ما دریغ نکنید و خودتان را با آن مقدار که قدرت دارید از دعای ما محروم نسازید، همانا اخراج خمس کلید روزی شما و موجب آموزش گناهانتان است و ذخیره ای است که می پردازید برای آمادگیتان در روز فقر و نداری در قیامت، مسلمان کسی است که به آنچه با خدا عهد بسته وفا کند نه آنکه با زبان اجابت کند ولی با قلب مخالفت ورزد (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ق، ص ۲۸۴).

باوجود این اتفاق نظر در وجوب خمس، اختلافاتی بین مذاهب فریقین در مصادیق و مصارف آن دیده می شود. اولین مسئله مصادیق وجوب خمس می باشد که مشهور فقهای امامیه معتقدند: خمس بر هفت مورد واجب است؛ غنایم، معدن، گنج، جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرورفتن در دریا بدست می آید، منفعت و درآمد کسب و کار [ارباح مکاسب]، مال حلال مخلوط به حرام، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد (شیخ طوسی، ۱۳۷۵، ق، ص ۲۸۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ق، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۶۱).

اهل سنت موارد وجوب خمس را شامل غنایم و معادن و رکاز [گنج] می دانند اما اختلاف نظرهایی در مورد نوع معادن و رکاز و نصاب آن، بین آنها مشاهده می شود. از نظر اهل سنت غنیمت یعنی آن چه از کفار به دست می آید اگر همراه با جنگ و خونریزی نباشد فایده و اگر همراه

با جنگ باشد غنیمت است. اهل سنت بالاتفاق خمس را در غنایم واجب می دانند (ماوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۸، صص ۴۰۴ و ۴۵۹).

اهل سنت معدن را هم از مصادیق وجوب خمس می دانند ولی در مورد نوع معادن اختلاف دارند. در نظر شافعیه فقط در معادن طلا و نقره خمس واجب است (المزنی، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۴۹). اما حنفیه علاوه بر معادن طلا و نقره، معادن آهن و سرب را هم از موارد خمس می دانند اما معادن سنگهای قیمتی را خیر. بنابراین از نظر شافعیه و مالکیه و حنفیه رکاز همان گنج مدفون است که در آن خمس واجب است بدون هیچ اختلافی، چه کم باشد چه زیاد. شافعیه و مالکیه و حنفیه بالا جماع رکاز را از موارد خمس می دانند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، صص ۱۱۷-۱۲۹).

در باب مصارف خمس، مشهور امامیه قائل به تقسیم خمس به دو سهم، سهم امام [شامل سهم خدا و رسول و ذی القربی] و سهم سادات [شامل سهم یتیم و مسکین و ابن السبیل از بنی هاشم] می باشند که به اندازه مئونه و کفایت یک سال به آنها داده می شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۷۷). و نظر غیر مشهور امامیه که قائل به تقسیم نبوده و تمامی خمس را حقی و حدانی برای منصب امامت و در اختیار حاکم اسلامی می داند و در عصر غیبت امر خمس به دست ولی فقیه بوده که ایشان به صلاحدید و مصلحت، صرف عموم مسلمین و اداره جامعه اسلامی می نماید (منتظری، ۱۴۱۲ ق، صص ۲۶۱-۲۶۳).

تردیدی نیست که اسلام به صورت یک مکتب جامع که تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان در آن پیش بینی شده پا به عرصه ظهور نهاد این مکتب در همان عصر پیامبر (ص) با تأسیس حکومت همراه بود و حکومت و ولایت از ضروریات زندگی بشر بوده و امکان ندارد اسلام با این جامعیت در این امر مهم اهمال کرده باشد بنابراین برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه نیاز به یک پشتوانه مالی قوی و منظم داشت که فریضه خمس برای تأمین این منظور بر مسلمین واجب گردید پس خمس عبارت است از حق الاماره که اولاً و بالذات برای خداست، ثانیاً در مرتبه متأخر برای رسول خدا و در طول ایشان برای امام که خلیفه الرسول است اما این بدین معنا نیست که ملک خصوصی امام باشد بلکه ملک منصب امامت است به عبارت دیگر خمس، حق و حدانی که تقسیم نمی شود و تمامی آن برای خدا و در طول این مالکیت برای رسول خدا و امام، ثابت است (همان، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۶۲).

امادر نظر اهل سنت، شافعیه و حنبلیه قائل به تقسیم به پنج سهم بوده «یقسم الخمس علی خمسة أسهم: سهم لرسول الله - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و سهم لذی القربی، و سهم للیتامی،

وسهم للمساكين، وسهم لابن السبيل» (علامه مناظر، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۱؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۱۵۳). وحنفیه قائل به سه سهم «وَالْخُمْسُ الْآخِرُ يُقَسَّمُ ثَلَاثَةً أَسْهُمٍ لِلْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنَاءِ السَّبِيلِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْقُرْبَى بِصِفَتِهِمْ يُقَدَّمُ عَلَيْهِمْ» (عبدالله بن محمود؛ مجد الدین ابو الفضل الحنفی، ۱۳۵۶ ق، ج ۴، ص ۱۳۱). و مالکیه قائل به تقسیم نبوده و خمس را در اختیار حاکم می داند که به اجتهاد خویش آن را صرف مسلمین می نماید «قَالَ مَالِكٌ: هُوَ مَوْكُولٌ إِلَى نَظَرِ الْإِمَامِ وَاجْتِهَادِهِ» (قرطبی، ۱۳۸۴ ق، ج ۸، ص ۱۱).

این پایان نامه شامل پنج فصل است که فصل اول به کلیات تحقیق و فصل دوم به مفهوم شناسی و مبانی نظری بحث، فصل سوم به مصارف خمس از دیدگاه فریقین، فصل چهارم خمس از دیدگاه فقه حکومتی پرداخته و فصل پنجم شامل نتیجه گیری و منابع و مأخذ می شود.

فصل اول :

کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

امر خمس از مسلمات و قطعیات فقه، بلکه جزء ضروریات دین بین مسلمین بوده هر چند از نظر مصادیق و مصارف، در انظار فقه فریقین مورد اختلاف می باشد. در بحث وجوب تا آنجا که صاحب عروه می فرماید: «کسی که منکر اصل وجوب خمس باشد، کافر است.» (سید یزدی، ۱۴۰۹، ق، ج ۲، ص ۳۶۶). زیرا چنین فردی منکر یکی از ضروریات دین شده و عمل نکردن به این فریضه [تارک خمس]، در حد منکر آن و مانند کسی است منکر حکم خمس می باشد [در برخی از موارد، انکار ضروریات دینی، اماره‌ای است بر انکار رسالت و اگر خلاف آن ثابت نشود، شخص منکر، محکوم به کفر است] (خلخالی، ۱۴۲۷، ق، ج ۱، ص ۱۴).

با وجود این اتفاق نظر در وجوب، اختلافاتی بین مذاهب فریقین در مصادیق و مصارف آن دیده می شود. اولین مسئله مصادیق وجوب خمس می باشد که برخی فقهای امامیه، مصادیق خمس را پنج مورد می دانند؛ «مغانم و مکاسب، آنچه استخراج شود از معادن و غوص و کنوز و ارباح مکاسب بعد از مئونه یک سال» (شریف مرتضی، ۱۴۱۵، ق، ص ۲۲۵؛ راوندی، ۱۴۰۵، ق، ج ۱، ص ۲۴۲).

اما مشهور فقهای امامیه معتقدند؛ خمس بر هفت مورد واجب است (غنایم، منفعت و درآمد کسب و کار [ارباح مکاسب]، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهری که بواسطه غواصی یعنی فرورفتن در دریا بدست می آید، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ق، ص ۵۵).

اهل سنت موارد وجوب خمس را شامل غنایم و معادن و رکاز می باشد اما اختلاف نظرهایی در مورد معادن و رکاز بین آنها مشاهده می شود. از نظر اهل سنت غنیمت یعنی آن چه از کفار به دست می آید اگر همراه با جنگ و خونریزی نباشد فیء و اگر همراه با جنگ باشد غنیمت است. اهل سنت بالاتفاق خمس را در غنایم واجب می دانند (ماوردی، ۱۴۱۹، ق، ج ۸، صص ۴۰۴ و ۴۵۹).

اهل سنت معتقدند که معدن از مصادیق خمس است ولی در مورد نوع معادن اختلاف دارند در نظر شافعیه فقط در معادن طلا و نقره خمس واجب است (المزنی، ۱۴۱۰، ق، ج ۸، ص ۱۴۹). اما حنفیه علاوه بر معادن طلا و نقره، معادن آهن و سرب را هم از موارد خمس می دانند اما معادن سنگهای